

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه مازندران
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته جامعه‌شناسی

موضوع:

بررسی جامعه‌شناختی - تاریخی پیدایش و عملکرد احزاب سیاسی در ایران از

۱۲۸۵ - ۱۲۹۹

استاد راهنما:

دکتر محمد فاضلی

استاد مشاور:

دکتر علی کریمی مله

اساتید داور:

دکتر احمد رضایی - دکتر نادر رازقی

جابر فرهادزاده

بهمن ۱۳۹۰

قدردانی

در فضای سرد و بی‌روح دانشگاه‌ها، که روز بروز در چنبره بازاری شدن و روزمرگی گرفتار می‌شوند، وجود برخی از اساتید هوای گرفته دانشگاه را تلطیف می‌کند. دکتر فاضلی از جمله این افراد هستند. این افراد رسالت بزرگی را به انجام می‌رسانند و نجات دانشگاه‌ها وابسته به وجود این بزرگواران است. من از سال ۸۸ توفیق آشنایی با ایشان را پیدا کردم و در طول این مدت، مطالب بسیاری یاد گرفتم و دین من به ایشان فراتر از مساعدت در پایاننامه است، به خاطر همه آموخته‌هایم و نیز خدماتی که به جامعه‌شناسی ایران کرده‌اند، از این استاد بزرگوار صمیمانه سپاسگذاری می‌کنم. هم‌چنین از استاد مشاور گرامی، آقای دکتر علی کریمی، به خاطر دقت نظر و صبر و حوصله‌ای که در این مدت به خرج دادند قدردانی می‌کنم.

و در نهایت مدیون مادرم هستم که در کل زندگی‌ام با من بود. هر چند در نبردی نابرابر با سرنوشت، سختی‌های بسیاری دید ولی در مورد من بزرگواری زیادی به خرج داد. درس‌های بسیاری از او یاد گرفتم که در کل زندگی‌ام مرا یاری خواهند کرد، هم‌چنین معنی بیشتر واژه‌ها را هم از ایشان آموختم که مهم‌ترین آنها از خودگذشتگی و مهربانی بود. از وی یاد می‌کنم تا بداند همیشه با او خواهم بود و درس‌هایی را که در شرایط سخت از او یاد گرفتم در زندگی‌ام به کار خواهم گرفت. به پاس آن همه خوبی و نیکی این تحقیق را به ایشان تقدیم می‌کنم.

چکیده

بعد از پیروزی انقلاب مشروطه نهادهای سیاسی جدید به سرعت وارد جامعه شدند و فعالیت سیاسی کیفیت متفاوتی پیدا کرد. دو حزب دموکرات و اعتدالیون، به‌عنوان اولین احزاب مهم و عمده در این دوره، در مجلس دوم شورای ملی ایجاد و در طول مشروطه عملکردهای گوناگونی را ایفا کرده‌اند. ولی بی‌گمان دلایل آن به مسائلی برمی‌گردد که ریشه در دوره‌های قبل دارد. تحقیق حاضر به دنبال بررسی دو سؤال زیر است: دلایل و ریشه‌های شکل‌گیری احزاب در ایران چه بوده است؟ و چه عوامل و نیروهایی بر عملکرد احزاب سیاسی در دوره ۱۲۸۵-۱۲۹۹ تأثیر داشته‌اند؟ بدین منظور برای بررسی پیدایش از نظریه شکاف‌های اجتماعی استین روکان و برای بررسی عملکرد احزاب از مدلی که هوفربرت ارائه داده استفاده شده است. روکان بر شکاف‌های دولت/کلیسا و مرکز/حاشیه (ناشی از انقلاب ملی) و شکاف‌های کارگر/کارفرما و روستا/شهر (ناشی از انقلاب صنعتی) در پیدایش احزاب تأکید کرده است و هوفربرت بر شرایط تاریخی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، ساختار قانونی-نهادی و سازماندهی و رهبری در عملکرد احزاب تأکید کرده است.

در تحقیق حاضر از روش جامعه‌شناسی تاریخی، به سبک روایت تاریخی، استفاده شده و یافته‌ها حاکی از آنند که در ایران پیدایش احزاب تحت تأثیر شکاف عمده دولت/جامعه که به مرور به شکاف انقلابی/ارتجاعی تبدیل شده، تحولات ساختاری دوره قاجاریه و شکاف ایدئولوژیک نیروهای اجتماعی بوده است. عملکرد احزاب نیز متأثر از پایگاه اجتماعی-اقتصادی اعضا، موقعیت و منافع گروه‌های ذینفوذ در جامعه، ساختار قانون اساسی و هم‌چنین ایدئولوژی بوده است.

کلیدواژه‌ها: پیدایش احزاب، عملکرد احزاب، مشروطه، دموکرات، اعتدالیون، شکاف اجتماعی،

تحول ساختاری، ایدئولوژی، گروه‌های ذینفع، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، ساختار قانون اساسی، روش تاریخی.

فهرست مطالب

چکیده ث

فصل اول: کلیات

۱-۱. مقدمه ۲

۲-۱. بیان مسأله ۳

۳-۱. اهمیت مسأله ۵

۴-۱. اهداف پژوهش ۷

فصل دوم: پیشینه‌ی تحقیق

پیشینه‌ی تحقیق ۹

۱-۲. پیشینه‌ی تجربی ۹

۱-۱-۲. مقدمه ۹

۲-۱-۲. انجمنها ۹

۳-۱-۲. ایدئولوژی ۱۰

۴-۱-۲. تعامل با خارج ۱۰

۵-۱-۲. نوسازی ۱۰

۶-۱-۲. جمع‌بندی پیشینه تجربی ۱۱

۲-۲. پیشینه‌ی نظری ۱۲

۱-۲-۲. مقدمه ۱۲

۲-۲-۲. دیدگاه نهادی ۱۲

۳-۲-۲. دیدگاه بحران‌گرا ۱۴

۴-۲-۲. دیدگاه نوسازی ۱۶

۵-۲-۲. دیدگاه شکاف‌های اجتماعی ۱۸

۶-۲-۲. دیدگاه تضاد طبقاتی ۱۹

۷-۲-۲. مدل هوفربرت ۱۹

۸-۲-۲. مدل‌های نظری جدیدتر ۲۰

۹-۲-۲. جمع‌بندی پیشینه‌ی نظری ۲۲

فصل سوم: چارچوب نظری

چارچوب نظری ۲۴

۱-۳. مقدمه ۲۴

| | |
|----|-------------------------------|
| ۲۴ | ۲-۳. نقد دیدگاه‌های نظری |
| ۲۴ | ۱-۲-۳. نظریه‌های نهادی |
| ۲۵ | ۲-۲-۳. دیدگاه بحران‌گرا |
| ۲۷ | ۳-۲-۳. دیدگاه تضاد طبقاتی |
| ۲۸ | ۴-۲-۳. دیدگاه نوسازی |
| ۲۹ | ۳-۳. نظریهٔ روکان |
| ۳۳ | ۴-۳. مدل هوفربرت |
| ۳۴ | ۱-۴-۳. تاریخ - جامعه - اقتصاد |
| ۳۴ | ۲-۴-۳. طرح قانونی - نهادی |
| ۳۴ | ۳-۳-۳. شکل سازمانی - رهبری |
| ۳۵ | ۴-۴-۳. عملکرد حزبی |
| ۳۵ | ۵-۳. فرضیات تحقیق |

فصل چهارم: روش شناسی

| | |
|----|---------------------------------|
| ۳۸ | روش شناسی |
| ۳۸ | ۱-۴. مقدمه |
| ۳۸ | ۲-۴. روایت |
| ۳۹ | ۳-۴. مفاهیم اساسی |
| ۳۹ | ۱-۳-۴. حزب |
| ۴۱ | ۲-۳-۴. شکاف اجتماعی |
| ۴۲ | ۳-۳-۴. گروه‌های ذینفع |
| ۴۳ | ۴-۳-۴. پایگاه اجتماعی - اقتصادی |
| ۴۳ | ۵-۳-۴. عملکرد |
| ۴۳ | ۴-۴. حدود پژوهش |
| ۴۴ | ۵-۴. داده‌های تحقیق |

فصل پنجم: پیدایش و عملکرد احزاب در ایران

| | |
|----|--------------------------------|
| ۴۶ | پیدایش و عملکرد احزاب در ایران |
| ۴۶ | ۱-۵. مقدمه |
| ۴۶ | ۲-۵. شکاف اجتماعی در ایران |
| ۴۸ | ۱-۲-۵. ارتباط خارجی |

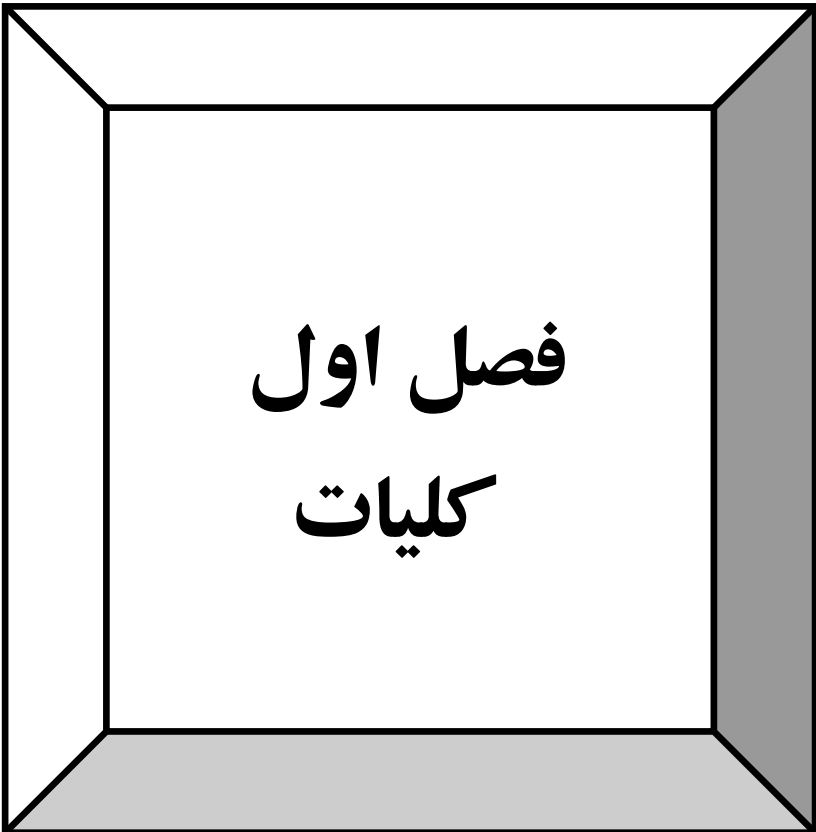
| | |
|----|---|
| ۴۹ | ۲-۲-۵. نوسازی آموزشی |
| ۵۰ | ۳-۲-۵. انقلابی و ارتجاعی |
| ۵۴ | ۳-۵. تأمین منافع گروههای ذینفع |
| ۶۱ | ۴-۵. پایگاه اقتصادی - اجتماعی اعضای احزاب |
| ۶۲ | ۱-۴-۵. اعیان، اشراف و مالکین |
| ۶۳ | ۲-۴-۵. تاجران |
| ۶۴ | ۳-۴-۵. علما |
| ۶۶ | ۵-۵. تحول ساختاری |
| ۶۷ | ۱-۵-۵. شروع اصلاحات |
| ۷۰ | ۲-۵-۵. از اصلاح تا تغییر |
| ۷۲ | ۶-۵. شکاف ایدئولوژیک |
| ۷۶ | ۱-۶-۵. مرامنامه‌ها: تبلور اختلاف ایدئولوژیک |
| ۷۸ | ۷-۵. نارسایی‌های قانونی |
| ۸۰ | ۸-۵. عملکرد احزاب |
| ۸۴ | ۹-۵. نتیجه‌گیری |

فصل ششم: بحث و نتیجه‌گیری

| | |
|----|---------------------------------------|
| ۸۶ | بحث و نتیجه‌گیری |
| ۹۲ | ۱-۶. بازگشت به نظریه و مدل |
| ۹۴ | ۲-۶. پیشنهادات برای تحقیقات آتی |

منابع

| | |
|-----|---------------------|
| ۹۶ | منابع فارسی |
| ۱۰۰ | منابع انگلیسی |
| ۱۰۱ | چکیده انگلیسی |



فصل اول
کلیات

کلیات

۱-۱. مقدمه

انقلاب مشروطه نقطه عزیمت بسیاری از تحلیل‌هایی است که خواسته‌اند با نگاهی جامعه‌شناختی به افت و خیز حرکت‌های دموکراسی خواهانه در ایران معاصر بپردازند. این انقلاب، فارغ از دستاوردها و کمبودهایش، نمایانگر تلاشی بود برای ساختن جامعه‌ای متفاوت‌تر از سلطنت‌های چندین هزار ساله پی در پی‌ای که به نوعی ماهیت اصلی عرصه سیاسی ایران را تشکیل می‌داده‌اند. این انقلاب هم‌چنین فرجام حرکت‌هایی است که خواسته‌اند متفاوت‌تر از سبک رایج فرهنگ سیاسی قبلی، فرایند تحولات سیاسی را رقم زنند. بسته به حوزه علاقه محققان و هدف محوری پژوهش‌ها، این انقلاب مرکز ثقل مباحث و مطالعاتی است که خواسته‌اند کلید تغییر و تحولات ایران را نشان دهند. شکل‌گیری احزاب نیز یکی از تحولات و تغییرهایی است که در ایران رخ داده و عصر مشروطه نقطه‌ی آغاز مناسبی برای بحث درباره‌ی احزاب است.

«تاریخ احزاب ایران، تقریباً عمری به درازای تاریخ شکل‌گیری نظام مشروطه در ایران دارد» (امین‌زاده، ۱۳۸۷: ۳). نخستین جوانه‌های حرکت حزبی در این دوره رشد کرده و سعی داشته‌اند در عرصه سیاسی ایفای نقش کنند. علی‌رغم این، برای درک نسبتاً جامعی از تحولات حزبی باید به دوره‌های قبل از مشروطه رجوع کرد. «گرچه آغاز فعالیت‌های احزاب سیاسی در ایران، هم‌سو با سیر تحوّل انقلاب مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی بود، اما در بررسی پیدایش احزاب سیاسی باید نخست به فعالیت‌های جمعی و هم‌کاری‌های سیاسی پیش از این دوره بپردازیم» (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۱۱۷).

رگ و ریشه فعالیت‌های سیاسی گروهی به دوره دوم حکومت ناصرالدین شاه و مهم‌تر از آن به دوره مظفرالدین شاه که به تولد مشروطه انجامید، می‌رسد. «... این فعالیت‌ها پیشینه‌ای در اواخر دوره حکومت ناصرالدین شاه هم داشته و اولین انجمن‌های مخفی در دوره سلطنت وی شکل گرفته است. در این دوره، میرزاملکم‌خان تشکیلات فراموشخانه [فراماسونری] را تأسیس کرد و تا سال ۱۲۷۰ هجری قمری (اکتبر ۱۸۶۱ میلادی) که -به دلیل حساسیت دربار و نگرانی روحانیون تعطیل شد- فعالیت نیمه‌علنی خود را دنبال کرد و پس از آن نیز به صورت مخفی فعالیت کرد» (امین‌زاده، ۱۳۸۷: ۴). علاوه بر فراماسونری، سایر انجمن‌ها و تشکیلات در این دوره عبارتند از: مجمع آدمیت، انجمن مخفی، انجمن ملی، فرقه اجتماع‌یون-عامیون و مرکز غیبی تبریز (تبریزینیا، ۱۳۷۱: ۶-۱۳۵؛ اتحادیه، ۱۳۸۱: ۱۴۱-۱۱۷).

«در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه، هر نوع فعالیت سیاسی با سوءظن نگریسته می‌شد و رسماً ممنوع بود. ولی در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه، آزادی‌های نسبی، موجب پیدایش انجمن‌های مخفی شد که هدف آنها اصلاحات و محدود کردن قدرت سلطنت و دولت بود... این نوع انجمن‌ها مشابه غربی نیز دارند. مثلاً در فرانسه پس از شکست ناپلئون در ۱۸۱۵م تا برافتادن سلطنت در ۱۸۴۸م، این قبیل انجمن‌های کوچک و انقلابی، فعالیت سیاسی داشتند» (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۵-۱۲۴).

نقش این جمعیت‌های سَری در انقلاب مشروطه به حدی است که لمبتن انقلاب مشروطه را تا حدود زیادی مدیون آنها می‌داند (تبریزیا، ۱۳۷۱: ۱۳۶). هرچند نمی‌توان ادعا کرد این فعالیت‌ها سازمان و برنامه منظمی داشتند ولی به هر حال برای تلطیف عرصه سیاسی واجد اثراتی بوده‌اند. برای درک زمینه‌های شکل‌گیری احزاب، رجوع به این دوره و تشکیلات موجود در آن به ما کمک می‌کند تا بتوانیم بستر رویش حرکت‌های جمعی سیاسی را شناسایی کرده و نهایتاً بر روی احزاب، به‌عنوان نوع عالی این حرکت‌ها، متمرکز شویم.

۱-۲. بیان مسأله

بدون شک دموکراسی واقعی و موفق، مستلزم ارتباط دوسویه میان مردم و حکومت است، نظام‌های حزبی به‌عنوان یک حلقه واسطه، نقش برقراری این ارتباط را بر عهده دارند. «اگر بپذیریم که دموکراسی در عمل به‌معنای مشارکت و رقابت سیاسی شماری از گروه‌ها و منافع سازمان یافته به‌منظور تصرف قدرت سیاسی و اداره کشور بر حسب سیاست‌ها و مواضع هر یک از آن گروه‌هاست، در آن صورت احزاب سیاسی و انتخابات کانون و هسته اصلی زندگی دموکراتیک را تشکیل می‌دهند» (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۷۵). در رژیم‌های دموکراتیک احزاب سیاسی به‌منزله گرداننده و محور اصول سیاسی حکومت شمرده می‌شوند، که با تشکیل جمعیت و تشکل آن به‌وجود می‌آیند (یوسفیه، ۱۳۵۱: ۲۶).

در دموکراسی‌های غربی پیدایش احزاب سوابق مختلفی دارد، برخی بعد از جنگ جهانی زاده شده‌اند (مثل ام. ار. پ^۱ فرانسه و دموکرات مسیحی ایتالیا، او. ان. ار^۲) برخی دیگر بین سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۳۹ متولد شده‌اند (مثل احزاب کمونیست و فاشیست). بعضی در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم پیش از ۱۹۱۴ پیدا شدند (مانند تقریباً کلیه احزاب سوسیالیستی). و بالاخره، بعضی دیگر در نیمه اول قرن نوزدهم شکل گرفتند، مانند اغلب احزاب محافظه‌کار و لیبرال (دوورژه، ۱۳۷۶: ۴۶۶). با وجود تنوع سابقه پیدایش احزاب در غرب، همه آنها در واقع حاصل و برآیند روند تکامل مبارزات صنفی-سیاسی هستند که بعضاً پیشینه این مبارزات به چند سده می‌رسد. هم‌چنین عملکرد آنها نیز تا حدی مشابه است. در این جوامع این احزاب بودند که پس از مبارزات انتخاباتی و کسب اکثریت آرای مردم و به‌دست گرفتن قدرت، دولت را تشکیل می‌دادند. به‌عبارت دیگر در این کشورها احزاب سازنده و موجد دولت‌ها هستند (نوذری، ۱۳۸۱: ۲۷).

در ایران پیدایش جمعیت‌ها و دسته‌جات سیاسی سابقه‌ای طولانی دارد. ولی حزب به‌معنای نوین آن پدیده‌ای جدید است که پس از انقلاب مشروطه بوجود آمد و به‌عنوان یک نهاد سیاسی وارد عرصه سیاسی شد. به‌همین خاطر به‌نظر می‌رسد برای بررسی تحولات احزاب و گروه‌های سیاسی دوره قاجار برش تاریخی خوبی است. فکر اصلاحات سیاسی و اجتماعی به دوره ناصرالدین شاه و آشنایی اولیه ما با اروپا برمی‌گردد (رائین، ۱۳۵۷: ۴۸۷). پس از این دوره اقدامات چندی برای بهبود وضعیت کشور

^۱ . Movement Republicain Populaire نهضت جمهوری مردم

^۲ . Union Nationale Republicaine اتحاد ملی جمهوری‌خواه

صورت گرفت ولی چندان موفق نشد. در دوره مظفرالدین‌شاه این اقدامات شدیدتر شد و سرعت بیشتری گرفت تا به پیروزی مشروطه انجامید. با صدور فرمان مشروطیت، انتخابات وکلا در تهران و ایالات آغاز گردید. «در دوره اول مجلس شورای ملی هیچ حزبی بصورت رسمی نماینده نداشت» (تبریزیا، ۱۳۷۱: ۱۴۹).

تاریخچه شکل‌گیری رسمی اولین احزاب در ایران به مجلس شورای ملی دوم تعلق دارد. شیوه شکل‌گیری رسمی احزاب در پارلمان ایران، بی‌شبهت به شکل‌گیری احزاب در پارلمان‌های اروپایی نیست (امین‌زاده، ۱۳۸۷: ۷). ولی در شکل‌گیری آنها عوامل ساختاری و تاریخی خاصی تأثیر داشتند که با جوامع اروپایی متفاوت بودند، به همین خاطر نیازمند بررسی‌های جداگانه‌ای هستند. به گفته بهار، در آغاز مشروطه دو حزب در ایران پیدا شد: مشروطه‌خواه و مستبد. اعیان و طبقه اول و طبقه سوم یعنی توده مردم مستبد بودند و مشروطه‌خواهان را بی‌دین و انقلابی و هرج و مرج طلب می‌شمردند و مشروطه‌خواهان که عددشان قلیل ولی بیشتر آنان از طبقه باسواد و روشنفکر بودند، و می‌توان آنها را طبقه دوم نامید، مستبدان را جاهل و ظالم و ارتجاعی و غارتگر می‌شمردند (بهار، ۱۳۸۶: ۲). هر چند که حرف بهار به یک معنی درست است، ولی در تاریخ مشروطه حزبی به نام «مشروطه‌خواه» و «مستبد» ذکر نشده «گویا مقصود بهار از حزب مشروطه و مستبد تقسیم مردم به دو گروه مزبور بوده است که هر کدام طرفدار یک اندیشه و طرز حکومت بودند» (تبریزیا، ۱۳۷۱: ۱۴۶).

با شروع مجلس دوم فعالیت احزاب جنبه رسمی‌تری پیدا کرد. دو حزب به نام‌های «دموکرات عامیون» و «اجتماعیون اعتدالیون» رسمی شده و خودشان را به مجلس معرفی کردند (بهار، ۱۳۸۶: ۸ و آدمیت، ۲۵۳۵: ۱۳۶). به‌علاوه «دو حزب کوچک دیگر نیز به نام «اتفاق و ترقی» و «ترقی‌خواهان» تشکیل شدند و در زمان هیأت مؤتلفه نقش مهمی ایفا کردند» (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۳۹). احزاب تشکیل شده تقریباً همه متشکل از روحانیون، صنعتگران، تجار و اشراف بودند که این جنبه بی‌شبهت به شکل‌گیری احزاب اروپایی نیست (امین‌زاده، ۱۳۸۷: ۸).

با پیروزی مشروطه، عرصه سیاست شکل سنتی خود را از دست داد و نهادهای سیاسی مدرن پا به عرصه عمل گذاشتند. مجلس به‌عنوان قوه قانونگذار شکل گرفت و فعالیت گروههای سیاسی آغاز گشت. احزاب به‌عنوان یکی از جدیدترین اشکال گروه‌بندی سیاسی با موفقیت‌های چشمگیری که در سیاست کشورهای دیگر، به‌خصوص غرب بدست آورده بود، مورد توجه روشنفکران قرار گرفت و در مجلس دوم آشکارا دو حزب به رقابت پرداختند.

عملکرد احزاب در اولین دوره فعالیت خود بحث‌برانگیز است. برخی نویسندگان معتقدند احزاب پس از پیدایش‌شان رشد و تحول صحیح نیافتند و از ایفای نقش مؤثر و مفید منحرف شدند (اتحادیه، ۱۳۷۱: ۱۰۰). برخی احزاب و برخی اعضای فعال آنها، مانند حزب دموکرات و برخی از اعضای آن نظیر تقی‌زاده، سلیمان میرزا و دیگران، با داشتن برنامه و خط‌مشی مشخص‌تر در مقابل شاه و دولت قرار گرفته و نقش‌های گوناگونی مانند مخالفت با تصمیمات دولت، از میان برداشتن مخالفان و.. را عهده‌دار شدند،

برخی دیگر، مانند اعتدالیون، اتفاق و ترقی، به خاطر نداشتن برنامه مشخص و آشنایی کمتر با جایگاه احزاب در برهه‌های مختلف عملکردهای متفاوتی نظیر حمایت از دولت، مقابله با احزاب دیگر و ... داشتند.

عملکرد متفاوت احزاب به همراه ابهام در نقش آنها در ساختار سیاسی باعث می‌شد که آنها روش‌های مبارزاتی متفاوتی را پیگیری کنند. «تلاش جهت تحقق اهداف از طریق قانونگذاری، سعی در نفوذ در کابینه‌ها و در دست گرفتن قدرت اجرایی، مبارزات قطعی و بالاخره ترور از شیوه‌های مبارزاتی احزاب در این دوران بود» (جواهری، ۱۳۸۰: ۱۸۴).

بر این مبنای، در این تحقیق در پی پاسخگویی به دو سؤال زیر هستیم:

دلایل و ریشه‌های شکل‌گیری احزاب در ایران چه بوده است؟

چه عوامل و نیروهایی بر عملکرد احزاب سیاسی در دوره ۱۲۸۵-۱۲۹۹ تأثیر داشته‌اند؟

۱-۳. اهمیت مسأله

امروزه تقریباً اتفاق نظر نسبی وجود دارد که دموکراسی مطلوب‌ترین نظام سیاسی است، در عین حال دموکراسی‌های مستقیم مورد انتقاد محققین قرار گرفته و «در حد کالایی تجملی [تصور شده] و نظام تصمیم‌گیری مردمی بدون وجود نهادهای سیاسی واسطه میان مردم و حکومت، ناممکن تلقی شده و با تجربیات قرن گذشته این نگرانی تقویت شد که در شرایط بحرانی، چنین ساختارهایی یا کارآیی خود را از دست می‌دهند و به سمت فروپاشی می‌روند و یا کارکرد افراطی پوپولیستی پیدا می‌کنند و به سمت نظامهای اقتدارگرا کشیده می‌شوند» (امین‌زاده، ۱۳۸۷: ۲). در چنین فضایی دموکراسی نمایندگی ارجحیت روزافزونی پیدا می‌کند. البته باید توجه داشت که حکومت مستقیم امروزه در سطح سازمانها و احزاب هم ناممکن و بی‌معنی تلقی می‌شود، می‌خلز در این‌باره معتقد است «تمام سازمانهای باقوام اعم از یک دولت دموکراتیک یا حزب سیاسی یا اتحادیه مقاومت کارگری خود زمینه کاملاً مناسبی را برای ایجاد تنوع ارگانها و وظایف فراهم می‌سازند. هر چه دستگاه یک سازمان پیچیده‌تر باشد یعنی هر چه افراد آن بیشتر افزایش یابند و صندوق‌هایش پرت‌تر شوند و روزنامه‌هایش پرتیراژ باشند حکومت مستقیم توده در آن بی‌معنی‌تر شده و جای آن را قدرت فزاینده کمیته‌ها می‌گیرد» (میخلز، ۱۳۶۹: ۳۰).

در ۱۸۵۰ هیچ کشوری در دنیا (به استثنای ایالات متحده آمریکا) دارای حزب سیاسی به معنای نوین کلمه نبود، ولی یک سده پس از آن یعنی در ۱۹۵۰ اکثر کشورها واجد احزاب سیاسی بودند (دوورژ، ۱۳۵۷: ۲۳). این گسترش روزافزون نظام‌های حزبی نشان از اهمیت آن دارد. «در کشورهایی که دارای نظام حزبی جاافتاده‌ای هستند، احزاب سیاسی به عنوان حلقه پیوند میان منافع اجتماعی و نهادهای تصمیم‌گیری سیاسی عمل می‌کنند» (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

لاپالومبارا و واینر احزاب سیاسی را مخلوق نظام‌های سیاسی پیشرفته (مدرن) و در حال پیشرفت می‌دانند. در چنین نظام‌هایی، حزب سیاسی در یک یا چند شکل به هر حال وجود دارد. (LaPalombara and Weiner, 1966: 3) از دید آنها

احزاب سیاسی نماد سیاست مدرن است؛ احزاب سیاسی «زمانی به وجود می‌آیند که فعالیت‌های نظام سیاسی به درجه معینی از پیچیدگی برسد» (pp.3-4).

در نوشته‌ای (بادامچیان، ۱۳۸۹: ۴-۶۳) علت وجودی، زمینه‌سازها و خاستگاه‌های احزاب جدید به شرح زیر معرفی شده است:

علت وجودی احزاب جدید: حاکمیت نظام‌های مردم‌گرا و آزادی‌خواه، رواج سیستم‌های دارای انتخابات مردمی (مجلس، ریاست جمهوری، شوراها و...)، نیاز توده‌های مردم به مدیریت و ریاست و علاقه به اینکه مدیر، رئیس و همکاران مؤثر، مورد پسند و انتخاب خودشان باشد، عدم امکان فنی و عملی حکومت همه‌ی مردم بر خودشان و اجبار به انتخاب عده‌ای از عناصر برگزیده که ناچار از انتخاب آنها هستند.

زمینه‌سازهای احزاب جدید: آگاهی و اطلاع همگانی و احساس مسئولیت اجتماعی، میدان دهی به حکومت شهرنشینی، - خواست‌های روحی انسان‌ها و خصایص روانی آنها در نیاز به ظهور استعدادها، احترام خواهی و احترام گذاری، ستایش، سپاس گویی، تحسین خواهی و نیز طبع مدنیت خواه بشر، همواری‌ها و ناهمواری‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، انگیزه‌های دینی و مسلکی.

خاستگاه‌های احزاب جدید: افکار آزادی‌خواهی و مردم‌گرایی، دین‌گرایی و مسلک‌گرایی، منفعت‌طلبی و مقاصد خاص، تعصبات قومی، محلی و شغلی.

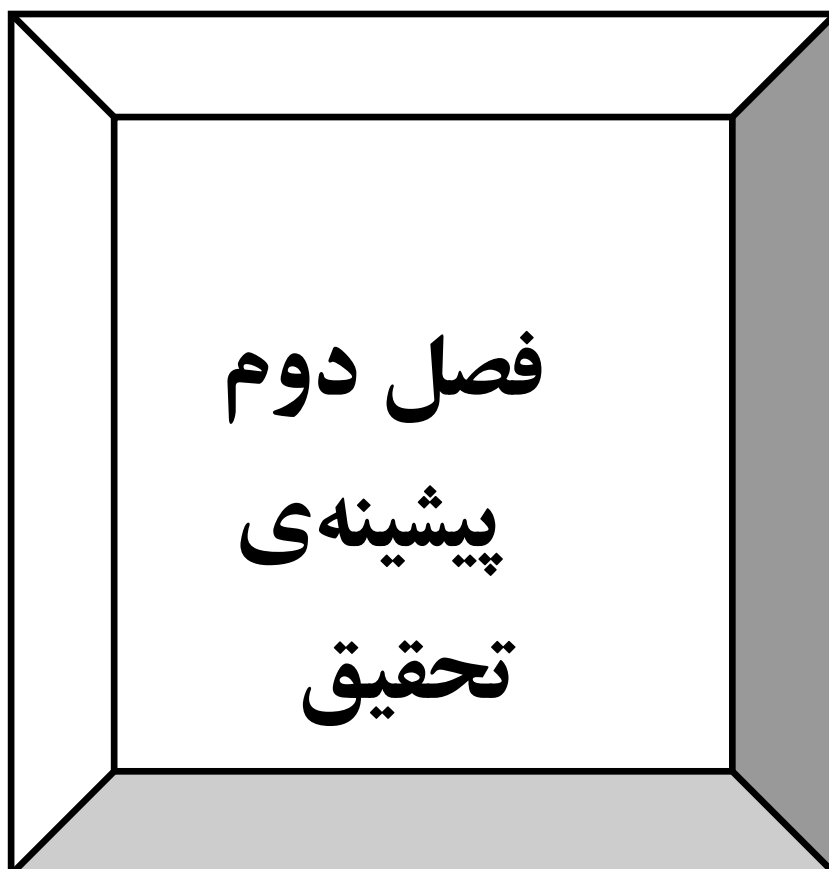
«احزاب سیاسی یکی از عمده‌ترین دستاوردها و جریان‌ات تکاملی در عرصه حیات سیاسی انسان‌ها به‌ویژه طی قرون نوزدهم و بیستم بشمار می‌روند. احزاب سیاسی در واقع از ابداعات و ابتکارات نظام‌های سیاسی مدرن محسوب می‌گردند» (نوذری، ۱۳۸۱: ۵۵). احزاب به یک تعبیر پل رابط بین جامعه و حکومت به‌شمار می‌روند؛ یا به تعبیر سیستمی، احزاب «ابزار خوراک دهنده» یا «ابزاری بازخوردی» هستند. شات‌اشنایدر^۱ در این زمینه می‌گوید: «ظهور احزاب سیاسی بدون تردید یکی از علائم ممیز و شاخصه‌های اصلی حکومتها و دولت‌های مدرن به‌شمار می‌رود. از یکسو احزاب سیاسی بودند که دموکراسی را خلق کردند، و از سوی دیگر دموکراسی مدرن نیز تنها در صورت حضور مداوم و فعالیت مستمر احزاب سیاسی قابل دوام و ماندگار است. بدین ترتیب بین دموکراسی و حزب رابطه‌ای تنگاتنگ برقرار است. در این صورت می‌توان نتیجه گرفت که تضعیف و زوال احزاب در درازمدت پیامدهای مخرب و ویرانگری برای دموکراسی در بر خواهد داشت» (موسوی نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

بررسی تاریخی پیدایش و عملکرد احزاب سیاسی می‌تواند به‌عنوان اولین گام، به ما کمک کند تا به‌وجود آمدن یک نهاد سیاسی مدرن و فراز و نشیب‌های آن را مورد توجه قرار داده و بفهمیم چرا با گذشت بیش از یک قرن از ایجاد این نهاد مهم، همچنان جایگاه احزاب در جامعه مبهم تلقی می‌شود. چه بسا عملکرد احزاب سبب ایجاد دستاویزی برای این امر شده باشد.

¹ Schattschneider

۱-۴. اهداف پژوهش

هدف پژوهش حاضر، بررسی پیدایش و تحولات احزاب سیاسی در ایران است. پیدایش احزاب در ایران با انقلاب مشروطه مقارن است. به نظر می‌رسد بحث از دموکراسی بدون شناخت گروه‌های فعال و نقش و سهم آنها در عرصه سیاسی کشورها ناقص است، به همین خاطر بحث از احزاب سیاسی ضروری است. در ضمن شناخت فراز و نشیب‌های فعالیت احزاب سیاسی می‌تواند در شناخت فراز و نشیب‌های دموکراسی یاریگر باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر کسب شناخت و ارائه تفسیری از دوره تاریخی ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۹ و نیروهای اجتماعی آن دوره که سرنوشت خاصی برای احزاب خلق کرده‌اند می‌باشد.



پیشینه‌ی تحقیق

۲-۱. پیشینه‌ی تجربی

۲-۱-۱. مقدمه

درباره انقلاب مشروطه و احزاب سیاسی آن دوره تحقیقات متعددی وجود دارد که هر یک از منظری خاص به این مسئله پرداخته‌اند. در این فصل با مرور تحقیقات صورت گرفته درباره احزاب، متغیرهای مطرح شده درباره پیدایش احزاب را بررسی خواهیم کرد. اساساً مرور تحقیقات قبلی درباره موضوع مورد نظر، محقق را قادر می‌سازد جنبه‌های برجسته و مغفول آنها را شناسایی کند، نقاط قوت آنها را الگو قرار داده و بر جنبه‌های مغفول آنها در تحقیق خویش انگشت تأکید گذارد، از تکرار پرهیز کند و بر سازوکارهای علی مطرح شده در آنها عطف توجه نشان دهد.

هدف ما در این فصل شناسایی ایده‌های محوری تحقیقاتی است که نویسندگان مختلف بر مبنای آنها به بحث در چند و چون پیدایش احزاب پرداخته‌اند. در تحقیقات بررسی شده به نوسازی و تجربه انجمن‌های قبل از انقلاب مشروطه (به عنوان متغیرهای ساختاری)، تعامل خارجی (به عنوان متغیر فراساختاری)، و ایدئولوژی (به عنوان متغیر ذهنی) اشاره شده است.

۲-۱-۲. انجمن‌ها

انجمن‌های سیاسی در برخی نوشته‌ها به عنوان پیش‌درآمد ظهور احزاب در نظر گرفته شده است. امین‌زاده (۱۳۸۷: ۱) پیدایش انجمن‌های مخفی، با اهداف سیاسی و مبارزاتی، را اقتباسی از تشکل‌های پنهان و نیمه‌پنهان غربی، از جمله فراماسونری، از یکسو، و بهره‌گیری از پیشینه انجمن‌های سیاسی و عملیاتی جنبش‌های شورشی در تاریخ ایران از سوی دیگر دانسته و این انجمن‌ها را الگوی اولیه احزاب سیاسی در ایران می‌داند. نوذری (۱۳۸۰) می‌گوید تجربه تلخ از تعدد انجمن‌های فراوان که نتوانسته بودند در برابر کودتای محمدعلی‌شاه کاری از پیش ببرند، آزادیخواهان و فعالین سیاسی را بر آن داشت که به حزب‌سازی با کارویژه‌های خاص آن‌ها مبادرت ورزند. تبریزنیا نیز ادعای مشابهی را درباره پیدایش احزاب تکرار می‌کند. (۱۳۷۱: ۱۵۴).

اتحادیه (۱۳۶۱ و ۱۳۸۱) دو گرایش آزادی‌خواه و معتدل را در تأسیس احزاب مهم می‌داند؛ این دو گرایش در فعالیت‌های انجمن‌های قبل از مشروطه و متعاقب آن احزاب سیاسی به چشم می‌خورد مدیرشانه‌چی هم معتقد است «نخستین احزاب ایران، اعم از احزاب ملی و احزاب چپ در انجمن‌های مشروطه‌خواه ریشه داشت» (۱۳۸۵: ۳۸-۲۹).

سالمی قمصری در مقاله‌ای با عنوان *موانع فرهنگی تحزب در ایران (دوره اول تحزب)* (۱۳۸۶: ۴۲) می‌گوید: «در مجلس دوم احزاب سیاسی در عرصه سیاست ایران شکل گرفتند. نحوه شکل‌گیری این احزاب بر مبنای همان انجمن‌ها استوار بود؛ یعنی همان انجمن‌های مخفی، به صورت احزاب جدید اعلام موجودیت کردند».

خارابی هم انجمن‌های پیش از مشروطه را پیش‌درآمد احزاب دانسته و می‌نویسد «انجمن‌های صدر مشروطه عملاً به حیطة‌ای برای پرورش سیاسی تبدیل شدند و از این لحاظ نقش ارزنده‌ای ایفا نمودند. از این رو می‌توان انجمن‌های صدر

مشروطیت را مکتبی برای تربیت کادرهای سیاسی کشور و پیش درآمد احزاب و جمعیت‌های سیاسی بعدی تلقی کرد» (خارابی، ۱۳۸۶: ۶۵) به همین خاطر اکثر مؤسسان احزاب اعتدالی و دموکرات، اتحاد و ترقی و تقریباً اغلب بنیانگذاران احزاب بعدی را می‌توان در میان اعضا و فعالان انجمن‌های صدر مشروطیت یافت (همان).

۲-۱-۳. ایدئولوژی

برخی نویسندگان ایدئولوژی و عقیده را محور تحلیل حوادث انقلاب مشروطه، بطور عام، و احزاب آن دوره به‌طور خاص قرار داده‌اند. اتحادیه (۱۳۶۱ و ۱۳۸۱) تفاوت‌های عقیدتی و کلا را در تقسیم‌بندی آن‌ها در مجالس مشروطه مهم تشخیص داده و بر این مبنا، احزاب را نتیجه این تفاوت می‌داند. تبریزیا (۱۳۷۱) تأثیر افکار انقلابیون حرفه‌ای نظیر حیدرخان عمواغلی را نیز در تشکیل احزاب مشروطه مهم می‌داند. حیدرخان خود از سوسیال دموکرات‌های قفقاز متأثر بود (ص. ۱۵۴). نوذری (۱۳۸۰) نیز به تأثیر افکار حیدرخان و انقلابیون دیگر، که عموماً از روسیه متأثر بودند، در پیدایش احزاب اشاره می‌کند. بهار (۱۳۸۰) هم در تاریخ مختصر احزاب سیاسی تلویحاً تأثیر افکار افرادی نظیر حیدرخان را در ایجاد حزب دموکرات و روزنامه نوبهار متذکر می‌شود (دیباچه، ه).

۲-۱-۴. تعامل با خارج

تبریزیا (۱۳۷۱) بازگشت خارج رفته‌هایی نظیر تقی زاده، معاضدالسلطنه، دهخدا و دیگران را در پیدایش احزاب مؤثر دانسته و معتقد است این عده با مشاهده سیستم‌های حزبی اروپایی، وجود احزاب را برای پاسداری از انقلاب ضروری تشخیص دادند (ص. ۱۵۴). امین زاده (۱۳۸۷) نیز معتقد است اقتباس سطحی از گروه‌های چریکی و مبارز مارکسیست و شبه‌مارکسیست روسیه در دوران انقلاب روسیه، بیش از پیش وجوه مرموز، پنهان، عملیاتی، غیرپاسخگو، غیردموکراتیک و نهایتاً اقتدارگرای احزاب سیاسی در ایران را تقویت کرد.

۲-۱-۵. نوسازی

برخی از نویسندگان بر این باورند که سابقه آشنایی ما با مدرنیاسیون و مواهب و مضرات آن به دوره قاجار برمی‌گردد. و اضافه می‌کنند بعد از اینکه با این پدیده آشنا شدیم سعی کردیم تا حد امکان جنبه‌های مختلف آن را وارد کرده و به کار بگیریم. برخی نیز در این راه افراط پیشه کرده و همه دستاوردهای گران‌سنگ اولین انقلاب بزرگ ایران را از این نگاه می‌نگرند. به هر حال نوسازی از دید برخی از نویسندگان به عنوان عاملی در شکل‌گیری احزاب مورد توجه قرار گرفته است.

نقیب‌زاده و سلیمانی (۱۳۸۸ و ۱۳۸۸) پیدایش احزاب را نتیجه نوسازی صورت گرفته در ایران دانسته و با استفاده از نظریه چهار مرحله‌ای هانتینگتون (جناح‌بندی شدن، دوقطبی شدن، گسترش و نهادمندی) مبادرت به بررسی احزاب کرده‌اند. از دید

نویسندگان فوق آشنایی با مدرنیته و نهادهای ملازم آن جامعه ما را بر آن داشت تا به احزاب عطف توجه نشان دهیم. اتحادیه نیز در خلال کتاب‌های متعدد خود (۱۳۷۵، ۱۳۷۱، ۱۳۸۱) تلویحاً به همین نظر اشاره می‌کند.

۲-۱-۶. جمع‌بندی پیشینه تجربی

نویسندگان مختلف ایده‌های متفاوتی را در بررسی احزاب سیاسی به کار گرفته‌اند. عمده‌ترین این ایده‌ها عبارتند از: انجمن-های قبل از انقلاب مشروطه، تأثیر تعامل خارجی، ایدئولوژی و نوسازی. پژوهش‌های مورد اشاره تأثیر این عوامل را مورد مذاقه قرار داده‌اند و لیکن این تحقیقات توضیحی درباره شرایط ساختاری جامعه ایران و تأثیر این شرایط بر عملکرد احزاب ارائه نمی‌دهند. به عبارت دیگر متغیرهای ساختاری در بررسی احزاب مورد توجه جدی قرار نگرفته است. این در حالی است که رویکرد ما در این تحقیق این است که متغیرهای ساختاری در پیدایش پدیده‌ها در بطن تاریخ می‌توانند تبیین‌های قابل قبول‌تری ارائه کنند. در این تحقیق سعی می‌شود تا حد امکان هدف حاضر مورد نظر قرار گیرد. به عبارت دیگر زمینه اجتماعی-ساختاری تغییر و تحولات احزاب نظیر شکاف اجتماعی، تحولات ساختاری، قانون اساسی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی اعضای احزاب در دوره مشروطه مورد توجه این تحقیق خواهد بود.

۲-۲. پیشینه‌ی نظری

۲-۲-۱. مقدمه

نظریه‌ها می‌توانند پرسش‌هایی را که لازم است مطرح شود مشخص کنند و حتی زبانی را در اختیار گذارند که با آن زبان می‌توان به پرسش‌های مذکور پاسخ داد، همچنان که بخش‌هایی از پاسخ‌ها را نیز فراهم می‌آورند. اما نظریه‌ها به خودی خود با تاریخ مواجه نمی‌شوند بلکه این تحلیل‌گران هستند که آن‌ها را با تاریخ مواجه می‌کنند (همیلتون، ۱۳۸۸: ۱۲۵). در این فصل با مرور نظریه‌های ارائه شده در مورد احزاب سعی می‌کنیم عوامل مؤثر بر پیدایش احزاب از دید محققان را مورد اشاره قرار دهیم. نظریه‌ها در اصل برای هدایت مسیر تحقیق و کم کردن ابهام مهم‌اند ولی در به‌کارگیری نظریه‌ها در شرایط و بسترهای مختلف همیشه باید توجه داشته باشیم که شاید این نظریات نیازمند اصلاح و صورت‌بندی مجدد باشند، به عبارت دیگر، در کاربست نظریات باید به بسترهای اجتماعی نهایت توجه را داشته باشیم.

۲-۲-۲. دیدگاه نهادی

این دیدگاه شکل‌گیری احزاب را با شکل‌گیری پارلمان و فعالیت‌های پارلمانی هم‌زمان می‌داند. این دسته از نظریه‌ها علل و زمینه‌های ظهور و پیدایش احزاب سیاسی را عمدتاً بر حسب نحوه و نوع کارکرد نهادهای مبتنی بر نمایندگی، یعنی مجالس قانونگذاری و پارلمان‌ها توضیح می‌دهند. احزاب بدو نتیجه تضادها و اختلافات میان جناح‌ها یا فراکسیون‌های مختلف موجود در مجالس نمایندگی و پارلمان‌ها هستند (نوذری، ۱۳۸۰: ۶۱). موریس دوورژه^۱ در کتاب *احزاب سیاسی* (۱۳۵۷) این دیدگاه را شرح و بسط کرده است. از دید وی به‌طور کلی، گسترش احزاب، بستگی به توسعه دموکراسی یعنی شرکت عامه مردم در انتخابات و سهمی شدن آن‌ها در مزایای پارلمانی دارد (دوورژه، ۱۳۵۷: ۲۴). احزاب در آغاز به شکل کمیته‌های انتخاباتی ظاهر شدند که هم حمایت اعیان را از یکی از نامزدهای انتخاباتی اعلام بدارند و هم وجوه مالی لازم را برای مبارزه انتخاباتی فراهم سازند. گاهی هم در چارچوب مجالس شورا نیز دیده شده است که گروه‌های پارلمانی متشکل از نمایندگان هم‌عقیده برای یک اقدام مشترک به وجود آمده‌اند. این همکاری نمایندگان از بالا به طور طبیعی گرایشی را در کمیته‌های انتخاباتی موجب شد تا با یکدیگر طرح اتحاد بریزند. بدین سان نخستین احزاب بوجود آمده‌اند (همان، ۲۹).

در اروپا قبل از تشکیل احزاب سیاسی، نخست گروه‌های پارلمانی در مجالس مقننه بوجود آمدند. این گروه‌ها متشکل از نمایندگان و سناتورهای مختلفی بودند که در جریان انتخابات به مجلس راه یافته بودند. گروه‌های پارلمانی در وهله اول بیشتر رنگ و بوی منطقه‌ای داشتند و نمایندگان استان و یا منطقه خاصی گرد هم آمدند و نخستین گروه‌های پارلمانی را ایجاد کردند. به تدریج، این گروه‌های پارلمانی جنبه سیاسی به خود گرفت و نمایندگانی که بینش‌های سیاسی مشترکی داشتند در قالب این

¹ Maurice Duverger

گروه‌ها متشکل شدند (ایوبی، ۱۳۷۹: ۳-۱۰۲). از دید دوورژه گروه‌های پارلمانی هسته اصلی و مرکز نخستین احزاب سیاسی به شمار می‌روند. وی در کتاب *احزاب سیاسی* تبدیل فرایند گروه‌های پارلمانی به احزاب را توضیح داده است.

دومین عامل تشکیل احزاب سیاسی از دید دوورژه تشکیل کمیته‌های انتخاباتی است. این کمیته‌ها در جریان عمومیت یافتن حق رأی ایجاد شدند و هدف اصلی از تشکیل این کمیته‌ها انجام کلیه امور مربوط به تبلیغات نامزدهای انتخاباتی بود. در وهله نخست این کمیته‌ها فقط در زمان انتخابات فعال بودند و پس از پایان انتخابات منحل می‌شدند ولی با پیچیده‌تر شدن روز به روز تبلیغات، نمایندگان دریافتند که برای پیروزی در دوره‌های بعد نیازمند فعالیت دائمی هستند و می‌باید در طول مدت نمایندگی نیز در ارتباط دائمی با موکلین خود باشند. بدین ترتیب نیاز دائمی به کمیته‌های انتخاباتی احساس شد و این کمیته‌های موقت به صورت دائمی درآمدند. این کمیته‌ها به عنوان رابطین میان مردم و نمایندگان عمل می‌کردند. تبدیل کمیته‌های مقطعی به دائمی از نظر دوورژه و محققانی چون دونکن یکی از گام‌های مهمی بود که بستر را برای پیدایش احزاب سیاسی مهیا نمود (ایوبی، ۱۳۷۹: ۴-۱۰۳).

هرچه حق رأی گسترش یابد متشکل کردن رأی‌دهندگان در کمیته‌های شایسته برای معرفی کاندیداها و تنظیم ترتیب اخذ رأی، بیشتر محسوس می‌شود. پیدایش احزاب با ایجاد گروه‌های پارلمانی و کمیته‌های انتخاباتی مرتبط است. با وجود این، برخی احزاب دارای ویژگی‌هایی هستند و تکوین آن‌ها خارج از حساب دوره پارلمانی و انتخاباتی است و این امر کیفیت خاصی به احزاب می‌دهد (دوورژه، ۱۳۵۷: ۲۴).

برخلاف احزاب پارلمانی، احزابی که در خارج از پارلمان‌ها شکل گرفته بودند در فضای خارج از مجالس قانونگذاری فعالیت می‌کردند و بسیاری از آن‌ها به کار فکری و سیاسی می‌پرداختند. این دسته از احزاب از نظر دوورژه ریشه در گروه‌های فشار، سندیکاها و کارگری و گروه‌های فکری دارند که در جوامع مختلف اروپایی وجود داشته‌اند. این تشکلهای در قرن نوزدهم و پس از همگانی شدن حق رأی به احزاب سیاسی تغییر شکل دادند و منشأ بسیاری از احزاب در خارج از پارلمان‌ها شدند (ایوبی، ۱۳۷۹: ۱۰۶). حزب کارگر انگلستان نمونه‌ای از احزاب خارج از پارلمان است که ابتدا در بیرون از مجالس قانونگذاری شکل گرفته و سپس به قدرت دست پیدا کرده است.

منشأ خارجی مربوط به احزابی می‌شود که هسته اولیه آن‌ها ابتدا در قالب مجامع فکری، باشگاه‌های عمومی و حتی به صورت طرفداران یک روزنامه پدید آمد. چنانکه بسیاری از احزاب کارگری ریشه در سندیکا دارند. از جمله حزب کارگر انگلستان که با انجمن فابین‌ها شروع شد. در عین حال دوورژه با واقع‌بینی یادآور می‌شود که یک حزب به هر صورت که تأسیس شود نیازمند حمایت توده‌های مردم است. وی با اشاره به شکست «انجمن دموکراتیک انقلابی» که ژان پل سارتر و تنی چند از روشنفکران دهه ۱۹۷۰ به وجود آورده بودند، توفیق در کسب آرای همگانی را شرط بقای حزب تلقی می‌کند (نقیب زاده، ۱۳۸۸: ۲۱) نیاز به بسج مدنی برای کسب رأی همواره از سوی جامعه‌شناسان برای بقای احزاب مورد تأکید قرار می‌گیرد (فاضلی، ۱۳۸۹).